

جولان عقاب‌ها و کبوترهای سپید بر فراز کفترلو

نام: آبخیز کبوترخوان
دسترسی: دارآباد، روستای کندعلیا
موقعیت: روستای کندعلیا

کفترخوان یا کفترلو نام آبخیزی دیدنی در ارتفاعات دارآباد است که در روستای کندعلیا از روستاهای قدیمی شمال تهران قرار گرفته است. آبخیزها همیشه زیستگاه مناسب و جذابی برای جانوران و پرندگان بوده‌اند همچنین پوشش گیاهی متنوع و وحشی در اطراف آبخیزها به وفور دیده می‌شود. «بهمن حاج‌هاشمی» از پیشکسوتان کوهنوردی تهران می‌گوید: «رسیدن به یک آبخیز با همه مشقت‌هایی که دارد همچون صعود به قطعه‌ای از بهشت است. آبخیزها از بکرترین و جذاب‌ترین بخش‌های طبیعت گردی هستند به خصوص برخی از آبخیزهای تهران که دسترسی راحتی ندارند و شهروندان به راحتی نمی‌توانند آنجا بروند. دیدن گونه‌های مختلف جانوری در نزدیکی آبخیز بخش هیجان‌انگیز آبخیزگردی است. دیدن عقاب‌های زیبا در اطراف آبخیز و انواع پرندگان شکاری جلوه زیبایی به این طبیعت بکر داده است. آبخیز کفترلو دقیقاً به همین دلیل نامگذاری شده است. در گذشته که رفت‌وآمد به آبخیز کمتر انجام می‌گرفت اینجا زیستگاه پرندگان متعددی بود به خصوص کبوتران که در اطراف آن پرواز می‌کردند. به همین دلیل محلی‌ها به این آبخیز لقب کفترلو یا کفترخوان دادند.» آبخیز کفترلو از صخره‌های بلند فرو می‌ریزد و در ارتفاع ۲۳۰۰ متر از سطح دریا و ۶ کیلومتری شمال روستای کندعلیا قرار دارد. با یک ساعت ونیم پیاده‌روی از روستا به این آبخیز می‌رسید. طی چند سال اخیر مسیر دسترسی به آبخیز ماشینی شده است.

اگر مسیر آبخیز را ادامه دهیم در سمت راست به قله سر به فلک کشیده ساکا می‌رسیم که دشت هویج زیبا به آن مشرف است. سالانه کوهنوردان بسیاری برای فتح قله ساکا به این منطقه سفر می‌کنند و بعد از استراحت در جوار آبخیز خروشان کفترلو مسیر را به سمت قله ادامه می‌دهند. مسیر بیمایش آبخیز کفترخوان از میان باغ‌های میوه است. باغ‌های سیب، زردآلو، گیلاس و آلبالو. این مسیر در فصل بهار به واسطه باز شدن شکوفه‌ها بسیار رؤیایی و شگفت‌انگیز است. در مسیر آبخیز علاوه بر باغ‌های میوه، تپه‌های گوشواره، قله پیرزن، تپه جوهک و تپه تاریخی شیر تازه نیز قرار دارد.



آبخیزهای نقره‌ای

به گفته آبخیزگردها و کوهنوردان تهرانی، در اطراف پایتخت بیشتر از ۱۵۶ آبخیز هست که در ارتفاعات روستاهای شمالی، شمال شرقی، غربی و شمال غربی جا خوش کرده‌اند. سراغ آبخیزهایی رفته‌ایم که نام‌های خاص و قصه‌های شنیدنی دارند. ماجرای یخنوردی در آبخیز هملون که نخستین مدرسه یخنوردی تهران لقب دارد، حضور عجیب زنبورهای عمل در آبخیز چال مگس و روایت پرماجرای فرار افسرهای فرانسوی از بیماری واگیر ویا به سمت آبخیز اوسون در این شماره نقل خواهند شد. در این ویژه‌نامه داریوش شهبازی تهران شناس، مبین کروندی آبخیزگرد معروف تهرانی، اسماعیل حسینی طبیعت‌گرد، بهمن حاج‌هاشمی و علی قربانزاده از پیشکسوتان کوهنوردی و عبدالله درویش، اسدالله شمشکی، ناصر احمدی، سیدابراهیم سادات کشاری، علی بذرانباز سنگانی، حسن فاضلی تالونی، مهدی احمدی‌رندانی و مصطفی لاک‌ی از معتمدان محلی همراهی‌مان کرده‌اند.



آبخیزی به نام صاحب یک قهوه‌خانه



نام: آبخیز رجب

موقعیت: کنار جان پناه داودی

دسترسی: دریند بعد از دو راهی اوسون

نام آبخیز «رجب شمیران» برای کوهنوردان و گردشگرانی که به دربند می‌آیند، شناخته شده است و حتی اغلب آنها برای ساعتی در قهوه‌خانه کنار این آبخیز توقف کرده‌اند. جالب است بدانید که نام این آبخیز هم برگرفته از نام صاحب این قهوه‌خانه است. آبخیز رجب در همه فصول

زیبایی خاص خودش را دارد، اما منظره این محدوده در فصل بهار خیره‌کننده است. «مبین کروندی» طبیعت‌گرد، درباره آبخیز رجب و وجه تسمیه آن می‌گوید: «بعد از اینکه روستای پس‌قلعه را پشت سر بگذارید، گذر آقامهدی یا همان پل چوبی روی رودخانه پیش روی شماست که بیشتر شبیه یک سهرای است. سمت پل چوبی مسیر بند یخچال، پناهگاه شروین، چشمه جعفر و چشمه نرس و سمت چپ به پاسگاه امداد و نجات داودی، آبخیز رجب و آبخیزهای دیگر این مسیر ختم می‌شود. برای رسیدن به آبخیز

رجب باید از سمت شیرپلا رفت. بعد از ۴۵ دقیقه که از یک شیب نسبتاً تند بالا می‌روید، جایگاه هلی‌کوپتر قرارگاه امداد و نجات داودی دیده می‌شود. درست بعد از آن، دیوارهای سنگی «کافه رجب» پدیداست. این کافه از قدیم در کنار آبخیز قرار داشت و صاحب آن شخصی به نام «رجب» بود. نام رجب را هم کوهنوردانی که در این مسیر بارها مهمان قهوه‌خانه آقارجب شده‌اند، برای این آبخیز انتخاب کرده‌اند و اکنون سال‌هاست که این آبخیز زیبا به آبخیز رجب معروف شده است.»

کوهنوردی شیرپلاست. نام شیرپلا یا شیرپلا در گویش مازندرانی به معنی شیربرنج است که هنوز هم چراگاه گاوداران مازندران در بلندی‌های البرز است. کیکباد، پادشاه اساطیری، پیش از رسیدن به سلطنت به کمک جهان پهلوان رستم، در قلعه کیکباد که در شیرپلا امروزی قرار داشته، زندگی می‌کرده است. البته در مورد نام شیرپلا برخی از کوهنوردان نیز معتقدند نام شیرپلا از واژه شیب پناه گرفته شده و به مرور زمان به شیرپلا تبدیل شده که این گفته نیز با توجه به موقعیت این پناهگاه دور از ذهن نیست.

آبخیزی که مدفن ژنرال فرانسوی شد

«آبخیز اوسون» در دل کوه‌های مرتفع دربند واقع شده و یکی از تماشایی‌ترین آبخیزهای تهران است. این آبخیز حدفاصل پس‌قلعه، شیرپلا و ایستگاه ۵ توجال قرار گرفته است.

به گفته اهالی، در گذشته محلی‌هایی که در این محدوده زندگی می‌کردند، چون آب این آبخیز و دره بسیار بود به آن اوسون می‌گفتند. اوسون به معنی آب فراوان است. «داریوش شهبازی» تهران‌پژوه، در این باره می‌گوید: «آبخیز اوسون در فصل بهار پرآب و زیباست و اغلب در این فصل کوهنوردان در حوضچه این آبخیز تنی به آب می‌زنند که البته خالی از خطر نیست. برای دیدن این آبخیز بکر و حیرت‌انگیز بعد از گذشتن از پس‌قلعه و محله تنگه در نزدیکی هتل اوسون به یک دوراهی می‌رسید که به آبخیز اوسون، دره ارس، اسپیدکمر و ایستگاه ۵ تله‌کابین منتهی می‌شود. این آبخیز هم از ذوب برف‌های ارتفاعات شمالی شهر تهران پدید آمده و علاوه بر چشم‌انداز خاص، همواره گردشگران و کوهپیمایان بی‌شماری را به سوی خود جذب می‌کند. برای رسیدن به دره اوسون می‌توانید از مسیر پاکوب وارد دره اوسون شوید. ورودی دره شاید چندین جذاب نباشد اما دقایقی بعد و با نزدیک شدن به محل هتل، دره اوسون با زیبایی‌های منحصر به فردش پیش‌رویتان نمایان می‌شود. باید این مسیر را ادامه دهید تا به آبخیز اوسون برسید.»

به گفته شهبازی، در جنوب دره اوسون منطقه‌ای معروف به قبر اروس یا سنگ سیمون است که کتیبه‌ای مربوط به قرن ۱۸ میلادی و دوران قاجار به زبان فرانسوی در آن قرار دارد. «این سنگ یادبود مربوط به تعدادی از فرانسویان است که در زمان شیوع وبا به آن مبتلا شدند. سفیر فرانسه در ایران کنت دوسار تیژ به همراه چند تن از همراهان از جمله ژنرال بار تلمی سیمینو برای درمان ماندن از گزند بیماری،



نام: آبخیز اوسون

موقعیت: دره اوسون

دسترسی: دریند، پس قلعه

مدتی در کنار رودخانه دربند اردو می‌زنند. بنا به دستور کنت دوسار تیژ، برای آنها سنگ‌نگاره‌ای قرار می‌دهند و این نوشته به یادگار روی این سنگ حک می‌شود: «هنگام وبا کنت دوسار تیژ و فرانسویان مقیم تهران در این دره سنگلاخ و کنار چشمه‌های پر جوش و خروش دور از بلار دو زدند / ۱۲۰ اگوست ۱۸۴۰.» همچنین نزدیک اردوگاه فرانسویان گوری است که بر آن نوشته شده است: «اینجا آنتون نلی دومار تا که از بیماری وبا در گذشته است، به خاک سپرده شد.» در اگوست ۱۸۴۶ میلادی و کف گودال نزدیک آن، سنگ قبر دیگری به خط فارسی قرار دارد که تاریخ ۱۲۶۲ قمری بر آن حک شده است. این سنگ را قبر اروس یا سیمینو می‌خوانند و در میان کوهنوردان مشهور است. نامدارترین آن گروه و فرمانده اردو سیمینو بود.